

د سراساز

میان ترامپ و بنیامین نتانیا هو حکایت دارد

هیچ چیزی ویرانگر تر از این برای کشور ما نیست. هر کسی که از درگیری با ایران حمایت می کند نه تنها متحد آمریکا نیست بلکه دشمن ماست.» چارلی کرک، پادکستر مشهور نیز می گوید: «افرادی در واشنگتن، داخل پنتاگون و در داخل دولت هستند که می خواهند حمله نظامی به ایران را آغاز کنند. آنها اغلب می گویند که کار آسانی است. یک حمله و تمام.» او می گوید: «حالا مکث کنید. چقدر آنها واقعاً درباره یک حمله و تمام درست می گویند؟ آیا واقعاً تا حالا اینطوری بوده است؟»

ترامپ در جریان کمپین انتخاباتی خود برای بار دوم در نشست شورای آمریکایی-اسرائیلی ها خود را بهترین دوستی معرفی کرد که اسرائیل تاکنون داشته. یهودی های آمریکایی بخش کوچکی از رای های الکتورال را به خود اختصاص می دهند اما در ایالت فلوریدا بخش بزرگی از بازل رای های الکتورال به آنها بستگی دارد. از نظر تاریخی یهودی ها بیشتر به دموکرات ها رای داده اند. ترامپ از آنها انتقاد کرد که یهودی های آمریکایی اشتباه بزرگی کردند که در دولت اواما به دموکرات ها رای دادند. اما خب نگاهی به عملکرد رؤسای جمهور آمریکا نشان می دهد که حمایت و یا حتی فشار بر اسرائیل از سوی آمریکا ارتباطی به گرایش سیاسی رهبر آمریکاندارد.

▼ روابط رؤسای جمهور آمریکا با اسرائیل

زاخاری بی ولف، نویسنده ارشد سسی ان، با سه مورخ ریاست جمهوری از جمله داگلاس برینکلی، مورخ رؤسای جمهور آمریکا در سسی ان و استاد دانشگاه رایس، جولیان زلیزر، استاد دانشگاه پرینستون و مارک آپدگروو، رئیس و مدیر اجرایی بنیاد ال بی جی درباره آمریکا و رابطه آن با اسرائیل گفت وگو کرده است. اسرائیل به همراه فرانسه و بریتانیا، در سال ۱۹۵۶ در تلاش برای تصاحب کانال سوئز و برکناری رئیس جمهور جمال عبدالناصر به مصر حمله کرد. آیزنهاور به شدت از اسرائیل عصبانی شد و کشورها را تحت فشار قرار داد تا سرپازان خود را برگردانند. این فشار در نهایت نتیجه داد.

جان اف کندی در کمپین فشار بی سروسوادی مشارکت کرد تا اجازه دهد باز رسان آمریکایی وارد سایت های هسته ای

اسرائیل شوند و برنامه هسته ای را متوقف کنند. در سال های ۱۹۶۰ تصور می شد که اسرائیل در حال گسترش سلاح های هسته ای است با اینکه هیچ وقت رسماً به آن اذعان نکرده است.

اسرائیل را انجام داد که توانست اراضی کشورهای همسایه را تصرف کند. در پی آن مصر کانال سوئز را برای سال ها بست. جاسون با فروشی برخی از تجهیزات نظامی به اسرائیل موافقت کرد که در آن تغییری در سیاست آمریکا تلقی می شد. آپگروو می گوید: «این محصول تنش جنگ سرد است. در آن زمان نگرانی بزرگی وجود داشت که جنگ از اسرائیل، مصر و سوریه فراتر رود و به یک نبرد بسیار بزرگتر تبدیل شود.» ریچارد نیکسون در جنگ یوم کیپور در سال ۱۹۷۳ در نهایت از اسرائیل حمایت کرد؛ موقعیتی کلیدی که توانست اسرائیل را نجات دهد. زلیزر می گوید: «اکثر تاریخ دانان آن منطقه فکر می کردند که مهمات کمکی آمریکا برای نجات اسرائیل در آن مقطع حیاتی بود.» اینجا همچنین اولین برخورد جوبایدن، به عنوان سناتور جوان، با اسرائیل در خاورمیانه بود. او پیش از جنگ ۱۹۷۳ به مصر و اسرائیل سفر کرد. بایدن بارها نسخه های مختلفی از این سفر را تعریف کرده و از آن به عنوان لحظه ای بسیار مهم یاد می کند. حمایت نیکسون از اسرائیل هزینه داشت. برنکلی می گوید: «اوبه ریاست جمهوری خود ضربه زد: چون کشورهای عربی تحریم کشورهای نفت اعراب را اجرا کردند و قیمت بنزین در آمریکا جهش پیدا کرد. به دلیل حمایت نیکسون از اسرائیل بود که در آمریکا بحران انرژی ایجاد شد.»

جیمی کارتر، مناخیم بگین، نخست وزیر وقت اسرائیل و انور سادات، نخست وزیر مصر را برای امضای پیمان کمپ دیوید دور هم جمع کرد که باعث صلحی ماندگار بین اسرائیل و مصر و همسایگان عربی جنوبی آنها شد. رونالد ریگان بر روابط نزدیکتر با اسرائیل تاکید داشت؛ مسیری که به تنش میان نظامیان آمریکایی در منطقه نقش داشت. پس از حمله اسرائیل به لبنان برای پیدا کردن اعضای سازمان آزادی بخش فلسطین، تنگداران دریایی آمریکا به عنوان بخشی از نیروی حافظ صلح به لبنان اعزام شدند. در سال ۱۹۸۳ سفارت آمریکا و قرارگاه نیروهای دریایی آمریکا در بیروت بمباران شدند. حزب الله عامل این حمله شناخته شد و دادگاه های آمریکایی یک میلیارد و ۷۵۰ میلیون دلار از دارایی های ایران در سسی تی بانک نیویورک را به خانواده های قربانیان پرداخت کردند.

جورج دبلیو بوش اصرار داشت که ارسال کمک های مالی آمریکا به اسرائیل برای شهرک سازی ها در کرانه باختری نخواهد بود؛ اقدامی که منجر به تنش با اسرائیل شد. او همچنین تلاش کرد تا اسرائیل و دیگر کشور ها را در مادربید دور هم جمع کند تا روند صلح خاورمیانه را که در آن فلسطینی ها که به عنوان اعضای هیئت همراه اردنی ها شرکت کردند، پیش ببرد. این گفت وگوهای جداگانه بود که بدون آمریکا به عادی سازی روابط بین اسرائیل و اردن و امضای پیمان اسلویین



در دوران ریاست جمهوری باراک اواما گزارش هایی مبنی بر اینکه دولت آمریکا مجموعه ای از امتیازها را برای ادامه تعلیق ۱۰ ماهه شهرک سازی ها پیشنهاد کرده، خشم فلسطینی ها و حامیان آنها را برانگیخت. اگر چه این امتیازات برای توقف شهرک سازی های جدید برای فقط ۶۰ روز بی سابقه است اما ناتوانی واشنگتن در حفظ فشار مدام بر اسرائیل به الگوی تاریخی بسیار گسترده تری برمی گردد

پنجشنبه ۸ خرداد ۱۴۰۴
سال چهارم ـ شماره ۷۹۸
www.hammihanonline.ir

اسرائیل و سازمان آزادی بخش فلسطین منجر شد. بیل کلینتون رئیس جمهوری بود که از همه بیشتر به صلح بین اسرائیل و فلسطین نزدیک شد. در سال ۱۹۹۳، یاسر عرفات، رهبر فلسطین و اسحاق رابین، نخست وزیر اسرائیل، پس از امضای پیمان اسلو با حضور کلینتون با یکدیگر دست دادند. رهبران خاورمیانه به همراه نخست وزیر اسرائیل، شیمون پرز جایزه نوبل صلح را دریافت کردند. این توافق که براساس آن تشکیلات خودگردان به عنوان دولت اسمی برای فلسطینی ها انتخاب شد، مسئله بیت المقدس را حل نشده باقی گذاشت و باعث شد صلح اسرائیل و فلسطین ماندگار نشود. رابین بعدها از سوی یک راست افراطی اسرائیلی ترور شد. تلاش های بعدی بین کلینتون، عرفات و ایهود باراک، نخست وزیر اسرائیل که در کمپ دیوید صورت گرفت به توافقی ختم نشد.

▼ یازده سپتامبر؛ نقطه عطف خاور میانه جورج بوش پسر پس از حملات تروریستی یازده سپتامبر بر جاهای دیگری متمرکز بود. زلیزر می گوید: «پس از یازده سپتامبر تغییر بزرگی ایجاد شد. به نظرم این زمانی است که شما اولویت از دست رفته توافق صلح اسرائیل و فلسطین را می بینید. متمرکز جورج دبلیو بوش بر مبارزه با تروریسم بود.» در ابتدای دولت بوش، فلسطینی ها در آنچه امروز انتفاضه دوم خطاب می شود، علیه اسرائیل خیزش کردند. در آن زمان اسرائیل تحت رهبری آریل شارون، نخست وزیر بود که برای شهرک سازی بیشتر در کرانه باختری و شرق بیت المقدس تلاش می کرد. جامعه بین المللی از حمله آمریکا مدت ها بود که شهرک سازی ها را مخالف کنوانسیون ژنومی دانستند که بر اساس آن قدرت اشغالگر نمی تواند شهروندان خود را به اراضی اشغالی منتقل کند. بوش، شارون و محمود عباس، رهبر فلسطینی ها، موافقت کردند تا «نقشه صلح» را دنبال کنند؛ تلاشی دیگر به سمت راه حل دو کشوری که در نهایت شکست خورد اما بالاخره باعث شد اسرائیل سرپازان خود را از غزه عقب بکشد. بوش در یک دیدار دوستانه با شارون در مزرعه خود در کرافورد در ایالت تگزاس با اینکه بر سر ساخت شهرک ها در کرانه باختری اختلاف داشتند، اما او را متقاعد کرده بود. باراک اواما از اسرائیل حمایت کرد اما حضور اسرائیل در کرانه باختری را «اشغال» خواند. او قویاً با ساخت شهرک ها در کرانه باختری مخالفت کرد. اواما نشستی را بین بنیامین نتانیا هو نخست وزیر وقت اسرائیل و محمود عباس ترتیب داد اما این تلاش در نهایت شکست خورد. پس از روی کار آمدن ترامپ، نماینده آمریکا در شورای امنیت سازمان ملل از وتوی قطعنامه محکومیت شهرک سازی ها امتناع کرد. در دوران ریاست جمهوری باراک اواما، گزارش هایی مبنی بر اینکه دولت آمریکا مجموعه ای از امتیازها را برای ادامه تعلیق ۱۰ ماهه شهرک سازی ها پیشنهاد کرده، خشم فلسطینی ها و حامیان آنها را برانگیخت. اگر چه این امتیازات برای توقف شهرک سازی های جدید برای فقط ۶۰ روز بی سابقه است اما ناتوانی واشنگتن در حفظ فشار مدام بر اسرائیل به الگوی تاریخی بسیار گسترده تری برمی گردد. اواما و بایدن با دیگر رهبران جهان برای توافق هسته ای با ایران مذاکره کردند. نتانیا هو که به شدت با بر جام مخالف بود به دعوت جمهوری خواهان برای توقف این توافق در کنگره آمریکا در سال ۲۰۱۵ سخنرانی کرد. این ترامپ متحد نزدیک نتانیا هو بود که در نهایت از توافق پر جام خارج شد. ترامپ هم در مذاکرات با فلسطینی ها طرف اسرائیلی ها را گرفت. او با تصمیمی بحث برانگیز سفارت آمریکا را به اورشلیم منتقل کرد و از الحاق کرانه باختری و بیت المقدس شرقی به اسرائیل حمایت کرد؛ اقداماتی که نادیده گرفتن راه حل دو کشوری محسوب می شدند. توافقنامه آبراهام- ترامپ در دور اول دستاورد بزرگی بود اما مسئله فلسطین را نادیده می گرفت. ترامپ در حضور وزیر خار جه بحرین و نخست وزیر اسرائیل و وزیر خار جه امارات در کاخ سفید توافقنامه آبراهام را امضا کرد. کشورهای عربی از جمله بحرین و امارات و بعدها مراکش و سودان اسرائیل را به رسمیت شناختند. بایدن با وجود تفاوت هایش با ترامپ اساساً سیاستی را تغییر نداد و برای عادی سازی روابط عربستان و اسرائیل تلاش کرد.

▼ واقعیت چیز دیگری است شاید مهم ترین درسی که بتوان از بحران های اسرائیل و آمریکا یاد گرفت این است که باید میان تصور فشار واشنگتن و واقعیت تفاوت قائل شد. در هر کدام از موارد تاریخی، هم آمریکا و هم اسرائیل تمایل داشتند که در فشارهای سیاسی وارد شده اغراق کنند. مخاطبان واشنگتن معمولاً کشورهای عربی بودند که به آمریکا به عنوان تنها قدرتی نگاه می کردند که می تواند امتیازاتی را از اسرائیل بگیرد. در مواردی مانند کنفرانس خبری بوش در سال ۱۹۹۱، بحث لایي اسرائیل هم برای مصارف داخلی بود. در عین حال، تلاش های اسرائیل برای اغراق در فشار آمریکا نه تنها برای مخاطبان داخلی و رقابت میان احزاب سیاسی بود بلکه حامیان آمریکایی را نیز در برمی گرفت. در حالی که نمی توان نفوذ لایي اسرائیل در این بحران ها به ویژه در کنگره آمریکا را در نظر نگرفت، اما نباید در آن اغراق کرد. در ادوار مختلف ریاست جمهوری، آمریکا مجموعه ای از گزینه های سیاسی را در اختیار داشت اما نمی خواست یا قادر به جلب اراده سیاسی لازم برای رویکردهای تهاجمی تر نبود. این رفتار اغلب ناشی از تمایل سیاستگذاران آمریکایی برای مناسب ترین راه حل سیاسی بود که توسط تقویم سیاسی و تشدید توجه های رسانه ای دیکته می شد تا اینکه راه حل بلندمدتی باشد. در نتیجه اسرائیل از سکوت دولت های مختلف و سوگیری که از قبل باری حمایت از جایگاه اسرائیل وجود دارد، بهره می برد. علاوه بر آن، اسرائیل از تمایل واشنگتن برای دستیابی به اهداف استراتژیک خود در منطقه و در جهان استفاده می کند تا امتیازاتی را به هزینه ضعیف ترین طرف درگیری یعنی فلسطینی ها به دست آورد.

سیاستمداران



غزه را رها نخواهیم کرد

محمد البخیتی از اعضای دفتر سیاسی جنبش انصار الله یمن در گفت وگو با شبکه تلویزیونی «العربی» در واکنش به حمله رژیم صهیونیستی به فرودگاه بین المللی صنعا گفت: «به حمایت از نوار غزه ادامه می دهیم و شکست خورده بزرگ کسی است که پشت مردم فلسطین در نوار غزه را خالی کند؛ نه کسی که به خاطر حمایت از این مردم مورد حمله قرار می گیرد.» وی با اشاره به ناکامی اخیر ارتش آمریکا در مقابله با ارتش یمن و در نهایت تن دادن آمریکایی ها به توافق با یمن برای پایان نبرد و پیش بینی سرنوشت مشابه برای رژیم صهیونیستی و شکست خوردن این رژیم از ارتش یمن گفت: «آمریکایی ها روی تسلیم کردن یمنی ها شرط بستند اما در نهایت شکست خوردند. ما مطمئن هستیم که بر رژیم اشغالگر پیروزی می شویم و هر اتفاقی بیفتد نوار غزه را تنها رها نخواهیم کرد.» البخیتی گفت: «جنبش انصار الله موفق شد که به حمایت های آمریکا از رژیم اسرائیل در اقدامات (علیه) یمن پایان دهد.»



سوریه عامل همکاری ترکیه و عربستان

به گزارش واشنگتن پست تحلیلگران معتقدند رسیدگی به نگرانی های امنیتی در سوریه و تلاش برای کسب نفوذ و اعتبار جهانی، عربستان سعودی و ترکیه را به رغم اختلافات دیرینه، به سوی همکاری برای ایجاد ثبات در سوریه سوق داده که به نظر می رسد زمینه ساز دوام همکاری های طرفین و نزدیکی روابط آن ها باشد. روابط ترکیه و عربستان سعودی، و قدرت منطقه ای که طی چند سال گذشته پیچیده و اغلب پرتنش بوده، پس از سقوط دولت «بشار اسد» در ترکیه با شورش گروه های مسلح این کشور، آشتی جویانه و نزدیک شده است. از آن موقع، ترکیه و عربستان سعودی برای تثبیت دولت جدید دمشق و بازگرداندن سوریه از انزوای چندین ساله آن به عرصه بین المللی تلاش کرده اند. این روزنامه می نویسد: «تعجبی ندارد که اولین سفر خارجی «احمدالشرع» رئیس هیئت حاکمه سوریه به ریاض و آنکارا، پایتخت های عربستان سعودی و ترکیه بوده باشد.» همچنین وقتی ترامپ اعلام کرد تمامی تحریم های سوریه را لغو می کند، گفت که این ولیعهد سعودی و رئیس جمهور ترکیه بوده اند که او را متقاعد کرده اند این اقدام را انجام دهد.



صلح اما نه به هر قیمتی

خبرگزاری رویترز امروز به نقل از سه منبع آگاه روس نوشت که رئیس جمهوری روسیه خاتمه جنگ اوکراین را مشروط به مواردی همچون تعهد کتبی سران کشورهای غربی مبنی بر توقف گسترش ناتو به سوی شرق و لغو بخشی از تحریم های این کشور کرده است. رویترز به نقل از یک منبع ارشد روس نوشت: «ولادیمیر پوتین آماده صلح است؛ اما نه به هر قیمتی.» این سه منبع روس گفتند که پوتین خواهان تعهد «کتبی» قدرت های بزرگ غربی برای عدم گسترش ناتو به سمت شرق است که به معنی مخالفت رسمی با عضویت اوکراین، گرجستان و مولداوی و دیگر جمهوری های شوروی سابق در سازمان پیمان آتلانتیک شمالی می شود. این سه منبع گفتند که روسیه همچنین خواهان بی طرفی اوکراین، لغو برخی از تحریم های غرب، حل فصل مسئله دارایی های مسدود شده روسیه در غرب و حفاظت از روس زبانان در اوکراین است. به گزارش رویترز کرملین معتقد است روسیه می تواند سال ها بدون توجه به تحریم های غرب و آثار اقتصادی آن، به جنگ ادامه دهد.